



بیانیه گروهی از اعضای

سازمان مجاهدین خلق

تکثیر و توزیع از:

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

P.O. BOX 4485 SPRINGFIELD, MO 65804

آذرماه ۱۳۵۴

دیماه ۱۳۵۴

خودمان بودیم. جای تردیدی از این بابت باقی نگذاشت. رهبری جدید که بهر حال پس از یک دوره گسالة از "حیاتیه" **ایدئولوژیک** در سطح خاصی از سازمان به نتایجی رسیده بود، ضرورتاً به خود اجازه میداد که به "استفاده از بعضی از خطبهای گذشته سازمان و انتقاد از آنها، دست آورد های خود را بعنوان تشبیه شکی و نیز شکل "تکلیف یافته" **ایدئولوژیک** گذشته سازمان ارائه داده و با تعیین **تئوریهایی** لازم برای اثبات "پوستگی تکلیفی" آن با **ایدئولوژی** گذشته سازمان و رسیدن آن به مارکسیسم (و به عبارت صحیحتر، ماتریالیسم دیالکتیک) توجیه مناسب برای تحمیل آن در سطح سازمان را تدارک ببیند. از اینجا به بعد، رهبری درصدد بر میآید تا هرگونه تلاشی را در هم شکند. هر جلسه که این ملاقاتها احیاناً خود از صداقت و احساس مسئولیت انقلابی ناشی شده و با رعایت تمام اصول تشکیلاتی و بصورتجلسی و تشریک صورت گیرد. رهبری ضرورتاً از "کشف" مارکسیسم و معادلات ذهنی "ماتریالیسم دیالکتیک" **ایدئولوژی** پروتانی را "مذهب" **ایدئولوژی** خود به **بیرواری**!" خود را در دنیای ذهنی خود ساخته و تئوریهایی توجیه گرانده و خود را می کن محصور کرده و به خود حق میدهد تا حیرات گرانهای گذشته سازمان را به نفع خود بهره برداری قرارداد و باتکیسه بر آنکه قدرت تشکیلاتی، هرگونه تلاشی را که احیاناً بخواهد آراستار این دنیای ذهنی را بهم زند و نقاط ضعف تئوریک و **ایدئولوژیک** آنرا روشن کند در نقطه نابود سازد. ولی آیا میتواند؟

آیا آنچه که اکنون از طرف سازمان عرضه میشود میتواند عنوان شک ادعائی تکامل طبیعی **ایدئولوژی** سازمان را داشته باشد؟ مارکسیسم و ماتریالیسم دیالکتیک چیز نوینی نیست که از بنیان **ایدئولوژی** سازمان همراه با تجربه و اصل انقلابی آن بهین آمده باشد. مارکسیسم تئوری شناخته شده ای است که بیش از یک قرن در سطح جهانی و بیش از نیم قرن در داخل ایران با سادها داشته و **ایدئولوژی** راهنمای بسیاری از انقلابات جهانی در پانزده قرن اخیر بوده است و بعد ازین روند و تکامل آن درصدد در رابطه با مراحل زیر بنائی و ریختائی بنیادین آن و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان در صد سال اخیر قابل تحلیل است. در ایران نیز مارکسیسم، بیش از پنجاه سال قبل حا پای خود را باز کرده و در این مدت اثرات تعیین کننده ای در جهت گیری کوششهای سیاسی و **ایدئولوژیک** احزاب و گروههای روشنفکری سیاسی جامعه ما داشته است. در این مدت صرف نظر از برخی سوء استفاده های فرصت طلبانه گروهی از مارکسیست ها، ما شاهد کوششهای صادقانه و انقلابی گروههای روشنفکری مارکسیستی در سطوح مختلف مبارزات اجتماعی - سیاسی و سرانجام بشکل مسلحانه آن بوده و هستیم

بهر حال سادها پنجاه ساله مارکسیسم در درون کشور ما بهیچ عنوانی که هرگز و رشد این **ایدئولوژی** در کشور ما و نقش آن در تحولات اجتماعی، نه در رابطه با تحولات زیر بنائی فقط ده سال اخیر بلکه در رابطه با محصوره حاصل **زیر بنائی** و ریختائی شرایط اقتصادی-سیاسی و فرهنگی ایران از دوران مشروطیت به بعد و تحولات جهانی نیم قرن اخیر و به خصوص بنیاد سوسیال دموکراسی در روسیه و بالاخره انقلاب اکثر قابل تحلیل و توضیح است بنابراین تدوین **تئوریهایی** حقیقی بر توجیه گرائین فلسفی پیروی مارکسیسم در درون سازمان بر اساس تحولات زیر بنائی در روابط تولید و ساختمان اقتصادی سیاسی جامعه ما در دهه اخیر در واقع چیزی جز یک کوشش توجیه گرانده و خود را می کن برای پوشاندن عده های حقارت آن دسته از رفاقی مارکسیست ها در درون سازمان که نسبت به همکاران خود در خارج سازمان احساس عقب ماندگی میکنند نمیتواند باشد. اگر سازمان ما به مارکسیسم بپردازد و آنرا جزو مطالعات و آموزشهای **ایدئولوژیک** خود قرار داد، اینکار با این آگاهی صورت گرفت که بنیاد فلسفی مارکسیسم (یعنی ماتریالیسم) دارای ایرادات اصولی فلسفی است و از یک پیش داری خود - محورانه ماهی میگردد و پذیرش این اصل فلسفی هیچ ربطی به **ایدئولوژی** و منافع اساسی دراز مدت پروتانیها ندارد. در حین حال سازمان ما بدینوسیله دریافت که **تئوریهایی** فلسفی مارکسیسم به خصوص در رابطه با تفسیر تاریخ و کشف قوانینش های آن و تحلیل طبقات و روابط زیر بنا و ریختا و پدیده ها مستلزم... عناصر زیادی از حقیقت را در بر دارد که آشنائی با آن برای شناخت و تحلیل درست پدیده ها و به خصوص در چهران یک تحلیل انقلابی ضرورت دارد. در واقع این دنیا محرم **ایدئولوژی** سازمان ما و قابلیت تحول و تکامل پذیر آن بود که با واقع گرائی خاصی با مارکسیسم برخورد نمید. این طبیعی بود که بهر روشی که با مارکسیسم، با علم باین واقعیت که بنیاد فلسفی مارکسیسم دارای چنان ایرادات اصولی است

تشکیلاتی را در عمل (و حداقل از نظر تئوریک) بدنیال میآورد که محتملترین آنها کلیت جذب و هم عناصر ضعیف مارکسیسم و نه تجزیه یکنواختی آنها از بنیاد فلسفی اینست. سازمان و **ایدئولوژی** آن باید بهتأی یک واحد ارگانیک، در پی پیوسته با سایر **ایدئولوژی** ها از قانون عام فذ به وجود آمده بهیچ میگرد. به موجب این قانون، برای جلوگیری از هرگونه پیوسته غیر طبیعی و امتداد **ایدئولوژی** انقلابی، سازمان حیاستی در فعل و انفعال متقابل با سایر **ایدئولوژیها** عناصر طبیعی و خود لزوم خود را از این **ایدئولوژیها** گرفته و آنها را ابتدا تجزیه و سپس بصورت فذ به خود رسانده و در درون خود جذب و هم کند. باین ترتیب نه تنها پدیده های چنین "ایدئولوژی انقلابی" مضموم به اندیکرد بلکه سازمان و **ایدئولوژی** آن درست با امتداد شیوه فذ به صحیح غای هر چه بیشتر یافته و به تکامل طبیعی خود ادامه میداد. ما باینکه سازمان ما چه حد در این کار موفق شده بود در این جا کاری نداریم ولی متشددیم که **ایدئولوژی** سازمان بالقوه و بالفعل چنین احساسی را در دست و دارد. بنابراین سیستمی که ما رکسیسم گرائی برخی از رفاقی ما در درون سازمان هیچ نیاید و نتواند تسلیحه گرائی تمام سازمان پیروی مارکسیسم و این عقب نشینی حشرات آخیز در برابر ماتریالیسم باشد. تئوریهایی هم که برای توجیه این امر تدوین و ارائه شود در ماهیت امر تفسیری نخواهد داد.

شیوه هایی که مسئولین مختلف سازمان برای تحمیل این نظریه در سطح سازمان و سرکشی مخالفان و ملاقاتها و بالاخره تثبیت موقعیت حقیقی اصل کرده اند و عوارض استراتژیک و تاکتیکی که این شیوه ها در همین چند ماه اخیر به بار آورده و بهر تأسیف آفر و بدت قابل توجه است - ما اکنون نیازی به بررسی یک به یک این موارد نداریم. چپ گرایان جدید ما خیلی زودتر از آنکه انتظار صرف آثار صطکرد خود را در درون و بیرون سازمان ببینند، سیاست جدید رهبری و چپ ریهایی فرصت طلبانه آن نه تنها در این مدت کوتاه **تئوریهایی** آورده ای از سازمان را به دام پلیس انداخته - بلکه بدت با نگاه سادها بوده ای سازمان را در خطر نیستی و نابودی قرار داده است. اکنون همان اقتضای ذهنی روشنفکر جامعه ما که بیش از هر انبیین ایگانای خود را میباید در اختیار سازمان میگذاشت و از سازمان در برابر فشار پلیسی رژیم حمایت میکرد نه تنها از حمایت خود دست برداشته بلکه - مخالفان - احساس میکند با خیانت شده، و دستاورد نظام زده است. شایعاً حفظی که این روزها بدت بین این اخبار و محافل وابسته بآن در حوزة سازمان رواج یافته و حیثیت سیاسی سازمان را مورد تهنید قرار داده چیزی جز عکس العمل این قشرها در برابر این احساس ننگستنه ضرورتی و غریب نیست.

این خوش خیالی و خود را می کردن است اگر تصور کنیم که صدقات و هزینات ناشی از این انحراف **ایدئولوژیک** - استراتژیک در حد تاکتیکی خود متوجه خواهد شد. اثرات استراتژیک ناشی از این انحراف و چپ رویی آنقدر شدید است که نه تنها آینده کار سازمان را به خطر انداخته بلکه میتواند روی مجموعه جنبش مسلحانه در مرحله فعلی مبارزات خلق ایران اثرات تعیین کننده منفی بگذارد. این دیگر بر تئوریهایی های در برج نشسته با است که از پوسته ذهنیات خود ساخته غیبتش بهین آیند و با پیرو شدن یا واقعیت سفته آثار مرگبار سیاست های جدید خود را در این فاصله کوتاه ببینند و آنست در صداقت انقلابی از خود نشان دهند که به توجیه گاری بختند و باز **تئوریهایی** جدیدی برای توجیه آنچه کرده اند نیافتند و در پوسته غیبتش بیشتر فرو نروند، باین مسئله بهر اندازه که آبی شیوه هایی که ایشان برای تثبیت موقعیت بیشتر مستطاب **تئوریهایی** مارکسیسم در داخل سازمان بیشتر گرفته اند میتواند نتیجه دیگری جز این به بار آورد!

گفتم ما نیازی به ذکر یکایک این موارد نداریم و از موارد بسیاری هم که بهر فرد مسئولین با کارهای همی (از نظر **تئوریک**) آنان را با به موضوع غیر فعال گشاده و یا به بهین رانده و احیاناً سرانجامشان بطرف پلیس هدم شده با میگویم. ولی به خصوص نکته های دیگری اشاره میکنم که نشان دهند بهر فرد فعال و سازنده و عادلانه برخی افراد را با تحولات **ایدئولوژیک** سازمان میباید که بصورت تئوریک و عملی صورت گرفته است. نکته این بهر فرد ها بطور مستند موجود بوده و بهر مرکزیت رسیده است. در این جا محال طرح و تحلیل آنها نیست و ولی عکس العمل این مسئولین در برابر این خطبها و شیوه هایی که بکار برده اند، تقریباً یکسان بوده و بهر جهت فرصت طلبانه و غیر عادلانه آنها را نشان میدهند. این مسئولین که در مواردی حتی با دقایق خودشان نتوانستند اند حرف ارائه شده را بفهمند و این در صداقت نداشته اند که

برای فهم آن به خود زحمت دهند و توضیح بخواهند. معذک به خود اجازه میدهند که با استفاده از مبتذل ترین شیوه های فرصت طلبانه - با گنده گوئی، پرده خالی، گلی گوئی، غفلت مآبی و سوء استفاده از تحلیل های زیربنائی - در برابر این عناصر بهرگونه انتقادی دست زده و سعی کرده اند آنان را با چماقی غیر انقلابی بودن و گرایشهای انحرافی انضباط طلبی، و رهبری طلبی، فرصت طلبی و... بکینند و آنها را تا سر حد اغراج و تعصیف پیش ببرند.

آیا بهتر نمی بود که این مسئولین چپ گرا قبل از اینکه به خود اجازه دهند دیگر کسی درون سازمانی را نگه کوچک کرده و آنها به بن بست بکشاند سازمان را از تلاش های فکری که همد راه گشایی داشت طمع کرده و با استفاده از پیله کوشش شخصی سطح ایدئولوژی آنها ارتقا میدادند؟ افسوس که چشم و گوش خود این رنقا بسته شده است و هنوز هم صلاح نمیدانند، نحوه های موجود از این برخوردارها را برای اطلاع درون سازمانی در اختیار اصنام بگذارند.

نظر ما از اشاره باین موارد تنها آن بود که نشان دهم چگونه مسئولان و رهبری چپ چنگد به برای برقراری حاکمیت خود و تثبیت نظریات خویش بر سازمان از هیچگونه اقدام فرصت طلبانه ناشایستی که سازمان را تا حد تجزیه و تلاشی و انضباط و بالاخره انهدام پیش برده ایا ندارند. ایتان چنان در دنیای ذهنی روشنفکرانه خود غرق شده اند و چنان تحت تاثیر ضام کوتاه مدت شخصی خویش قرار گرفته اند که با اینکه علا شاهد آثار سریع زبانبار سیاست خویش در این لافله کوتاه بوده و هستند، نه تنها نمیتوانند تحلیل شخصی از این امر بعمل آورند، بلکه با توصیه گریهای فرصت طلبانه و خود راضی کن، بهیاز پیش در راه صلفه و روس خود اصرار میورزند.

این مسئله که برخی از رنقایی ما بدنیال به سری خطالعات خود به مارکسیسم رور آورند یک پدیده استثنائی و غیر عادی نیست. سازمان به شدت متزیق بر اغراض رنگ شته و اسنادی که در دست دارد نشان داده است که فرقی بین یک انقلابی مارکسیست و یا غیر مارکسیست در صورتیکه با اعتقاد به سمو هرگونه اشتراک حاد فانه در راه انقلاب مبارزه کنند قابل نیست. این سازمان ما بود که برای اوس بار در سال ۱۳۵۰ از زبان برادر شهید ناصر صادی آبادگی خود را برای وحدت با سایر نیروهای انقلابی در میدان صل مسلمان اعلام داشت. بنابراین این دسته از رنقا اگر صد اقت انقلابی داشتند و احیاء میکردند که با "تصاد" ایدئولوژیکی که با سازمان دارند فعالیت در درون آن برایشان ضلی نیست صی توانستند با جمعگیری صاد فانه از سازمان جدا شده و در یک گروه مارکسیستی دلخواه و یا بهر شکل دیگری که بایلیتد به فعالیت خود ادامه دهند. در این صورت آنها نمیتوانستند نه تنها جدا از سازمان مبارزه خویش را ادامه دهند بلکه پیوسته انقلابی خویش را با سازمان حفظ کرده و به پیدایش جو وحدت انقلابی پیشنهادی سازمان بین تمام نیروهای انقلابی غلطی علا کتد کنند.

برای هیچ عنصر صادی در سازمان، این وضع که گوییم با تلاش بر بنیاد گراپشت ایدئولوژیکی خود، سازمان را با همه مزایای و عمریات و حسن شهرت و پایگاه سیاسی بوده ای اثر گه بهیای جانبازی ده ها تن از شهیدای ارزنده آن و در طول ده سال کار حسنگی ناپدید بر بدست آمده از صفوای ایدئولوژیک - استراتژیک خود خالی کرده و آنها را با استفاده از هرت تشکیلاتی خویش محبت مورد نظر سوق دهند، قابل تحمل نیست. هیچ عنصر صادی که در برابر چنین سازمان احساس مسئولیت میکند نمیتواند شاهد این تلاش منحرف باشد و در برابر آن موضع نگیرد. تلاشی که شمره ای جز سمع ایدئولوژی سازمان ندارد و در بهیسی صورت آنها به بت سازمان روشنفکرانه تحلیلی بریده از توده ها تبدیل میگردد و یا در بدترین شکل آنها بصورت یک عامل باز دارنده و مغرب جنبشهای توده ای و گامین فرصت طلبی، اغلاله تفرقه و شک اندازی در مراحل مختلف محبت خلق در میآورد.

آری اکنون ما در برابر بت انحراف شخصی ایدئولوژیک - استراتژیک قرار گرفته ایم که اثرات زبانبار و نابود کننده آن میتواند حیثت سازمان و الزاما کل محبت را به خطر اندازد. در این صورت وظیفه ما چیست؟ روشن است که ما و هر عنصر دیگر صادی سازمان تصوایم اجازه دهم که گروهی غیر مومن به اصول ایدئولوژی بنیادی سازمان تحت نام این سازمان به فعالیت خود ادامه داده و با افتخار شیوه های صر صاد فانه و فرصت طلبانه، آنها در بدست در اختیار خود بگیرند.

رنقایی مرکزیت!

مسائلی که در رابطه با تحولات ایدئولوژیک در درون سازمان در یکی دو ساله اخیر رخ داده و عواقب آن که در چند ماهه اخیر شاهد آن بوده ایم ما را بر آن داشته که با طرح نظریات خود موضع خویش را در برابر این مسائل و اثرات سطحی سیاسی - استراتژیک آن مشخص کرده و توجه شما را بآن جلب کنیم. طرح این نکات در شرایط حساس فعلی که برای اولین بار آثار زبانبار و نابود کننده استراتژیک رهبری جدید در سطح توده ای ظاهر شده، اهمیت خاص خود را می باید یکسه امید و ارم مورد توجه خاص رنقا قرار گیرد.

رنقا! هر گاه ام از ما در شرایطی سازمان پیوسته و همگامی خود را شروع کردیم که سازمان بصورت یک تشکیلات انقلابی یعنی بر ایدئولوژی اسلامی و دانش انقلابی زبان، معرفی شده بود. این مسئله همراه با حواله انقلابی خاصه انگیزی که جانبازی و رهبران و کارهای سازمان در میدان صل مسلمان ایجاد کرده بود، رنقایی از جده سیاسی - فقهی خاصه ما را که از سازشاتی سر انجام نگرفته سر خورده و مایوس شده بود به خود جذب کرده و سرانجام ناریا در فضای سیاسی خاصه ما می تاباند. گسترش ریز افزون نفوذ توده ای و سیاسی سازمان در بین اقشار مدعی خاصه و انسانهای مسئول، استحکام هر چه بیشتر پایگاه سیاسی سازمان را فراهم ساخته و امکانات وسیعی را در اختیار آن قرار داده بود. ما نیز بنیوه خود تمام امید ها و آرزوهای مبارزاتی خویش را در چنین شرایطی در سازمان صبور با هم و با پیوستن بآن و بهره گیری از تجربیات و آموزشهای انقلابی آن مسلمانان با جدا و خلق خویش بین بهم که با هم پیوسته و امکانات برای تحلی آرومانیهای طبقات زحمتکش خلق مبارزه در چنین لحظه حیاتی خویشی از این صوره ساز ناختم. این امر چنان پیوند ناگسستی و ارگانیک بین ما و سازمان برقرار کرد که دیگر برای خود موجودیت و مرز صی مستقل از سازمان نشانیم و با تمام وجود، خود را جزئی از سازمان و سازمان را گلی شامل حید بد ایم. ما سر صوب خود را با سرنوشت سازمان و سرنوشت جنبش مسلمانان خلق مان یکی دیدیم و بعضی سبب در برابر هر خطری که سازمان و جنبش را تهدید کند از هر ناحیه که باشد احساس مسئولیت حیاتی کردیم و می کنیم.

مزایای درخشان گذشته سازمان، ایدئولوژی فنی و پیشرفته انقلابی آن و استراتژی واقع بینانه که سازمان در پی گرفته بود اطمینان هر چه بیشتر ما را بد رستی راهی که در پیش داریم باعث شده بود. جویشهای بد فانه و واقع بینانه و غیر دگمانیستی سازمان در مسائل جاری انقلاب، همراه با نشان دادن دیانیم لازم برای حد بر صیسی نظریات و تئوریهای انقلابی و فنی، از صفات ششمه ای بود که سازمان ما را از سایر گروههای ساده سازش محاسبت ما نیز با تاثیر از این بنیاد سازمانی و با اعتقاد قاطع بحق حاکمیت اقصادی و سیاسی طبقات مسلمانان توده و مسخیر خاصه، به پیوستن نهایی سازمان که خود را پیشقراول انقلابی این طبقات میدانست ایجاب می نمود.

تحولات ناشی از مبارزه ایدئولوژیک حدیدی که از یکی دو سال قبل در درون سازمان رخ داده و عواقب آن که در چند ماهه اخیر شاهد آن هستیم، این تحولات با برخی دیگر در میان گرفته شده و از برخی دیگر صحنی نگاه داشته شده که در نظر ما مواردی که از شرایط خاص مبارزه فعلی و دشواری ارتباطات ناشی میزند، باید به صحنی جامع مبدعی ها و خطاهای تشکیلاتی در این زمینه پرداخت.

اکنون ما در صد آن نیستیم که وارد ماضیت آن طور تنکر تحلیلی پنجم که بعنوان ایدئولوژی حدیدی سازمان بنا گرفته شده است. این امر وظیفی نمیتوانست صورت گیرد که حود دگرانیته انقلابی لازم - جیی که به تصویر بنیادی ایدئولوژیک نه از بالا و بصورت تحلیلی و الفائی به کار رها، بلکه بدنیال به بت سازنده فنی و با واپات اسور دگرسانی صیکن و دست با یک سازمان مدعی انقلابی در شرایط پلیدی - سیاسی فعلی صورت میگرفت - در سازمان باقی می ماند. سر صوبی بت شیوه هایی که برای تثبیت و تحمیل این طرز تفکر در داخل سازمان بکار رفت و ما خود شخصا شاهد کاربرد آن در مورد

جایگاه و نام است از این معاهدین مرکزیت فعلی سازمان. بنامه و نام بسیار گما، کامل بوده و رهش کند و سبای از حدای. میاید. نهضت آزادی ایران ضمن تأکید مواضع این محله دین راستین برای همت و عمل و اقدام آنان در این شرایط بحرانی، که بدون شک نشان دهنده احساس مسئولیت شدید آنان در سوا، خددا و خلق قهرمان ایران بهمنش انقلابی و سازمان میاشد، ارج و منزلت فراوان قائل است. ما اسعد داریم که از معاهدین اصل و راستین مورد تعقیب، از انگونه که در حق ما همدار شمع شریع، ما قدر صبر گرفتند از نگینند. ما با شخصی نگران سر نهضت ان برادر میاهدی هستیم که نمایندگی از طرف این کارها و در رابطه با مسائل این نامه و بدنیال دعوت رفقا، مرکزیت را تعارض مستقیم با آماست، میانم.

پیام میاهدی



بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

اِنَّا الْمُسْلِمُونَ الذِّینَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَنۡتَهِیۡا وَ جَاهَدُوا بِاَیۡمَانِهِمْ وَاَنِیۡمِهِمْ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِکَ هُمُ الصّٰدِقِیۡنَ .
 مؤمنان تنها کسانی هستند که بخدا و پیغمبرش ایمان آوردند و هیچ چیز از بدلی راه ندادند و بمال و جان خویش جهاد در راه خدا برخاستند
 آنان همان صادقانند .

نامه زیر در شهر پیر ماه جاری بدنیال تلاش های قلبی برای ارسال مرکزیت سازمان نوشته شد تا موضع ما را برای آنها روشن کند . گوشه ای از این بود که در طول برخورد با این فرصت طلبان مشکلات را در دین سازمان حل کرده تا دشمن فرصت نیابد به جنبش خلق ما غلبه وارد سازد . اهداف قلبی این افراد که ما در جریان آنها قرار داشتیم برای ما از پیروزی ساخته بود که آنها تصمیم خود را برای تحمیل نظریات انحرافی خود و سوءاستفاده از نام و شهرت سازمان گرفته اند . بمذاکات ما برای اینکه آخرین تلاشهای خود را برای جلوگیری از فاسدگی که کوتاه فکریهای این فرصت طلبان بوجود میآورد نشان دهیم از دعوتی که برای آخرین تذکرات بعمل آمد استقبال کرده و برادری برای این منظور بهما غایت . از آن برچه بماند های گوناگون از تذکرها با او ظفر رفته اند . تا اینکه در این اواخر جزوه ای منتشر کرده و در آن نظریات مبتذل خود را بنام "مواضع ایدئولوژیک سازمان" هدا نموده اند . اکنون که طبع این ظفر رخن ها از تذکرها طی رخ اصرار و دعت ، با انتشار این جزوه بنام سازمان روشن شده است ، ما نامه را بصورت سرگشاده برای اخلاص صمیم منتشر می کنیم .

آذر ماه ۱۳۵۴

رفقا! اکنون شرایط چنان حساس است که هرگونه تأمل و درنگ نتیجه ای جز تأکید و کمک فعلی بادا راه را، که در سازمان پیش گرفته شده و آنرا برانشی سقوط نزدیک میکند ندارد . این مسئولیت حیاتی الان بر دوش همه ما سنگینی میکند که با احترام بخون پاک شهیدانی که جان خود را در راه اهداف عالی این سازمان فدا کردند ، با احترام و تلاشی در اگاهانه و صادقانه صدا را بخلایق پاک باخته که در پنج سال اخیر بهجت فعالیت در دین با برادران سازمان در هنگام دشمن اسیر و تحت شکنجه های دوشین رژیم قرار گرفته اند ، و از همه بیشتر ، با احترام بده محروم و شکنجه شده ایرانی که همه امکانات خود را بدریغ و در اختیار پیشگامان انقلابی خویش قرار داده و آنانرا پروراند و اکنون با احساس ضعف و شکست شاهد این انحراف پیرامونی روشنفکرانانه سازمان است ، و بالاخره در برابر دینی که خلق ، و جنبش سازمان بر گردن ما دارد بهما عزیز و با تمام نیرو در برابر این انحراف و چپ روی فرصت طلبانه ایستادگی کنیم . بدین منظور ما پیشنهاد های خود را در این باره ذیلا ارائه میدهم:

۱ - رفقای که مسئولیت این چپ روی فرصت طلبانه بر عهده آنها است صادقانه به تحلیل خود پرداخته و از خود در این باره انتقاد کنند . بدنیال آن ، سازمان تنبیهات تشکیلاتی متناسبی را در حق آنان اعمال داشته و مراتب را از نظر آموزش در سطح کلیه کارها منتشر کند . در اینصورت ، سازمان همچون باید مراتب را با اطلاع افکار عمومی خلق رسانده و مواضع نادرست گذشته ناشی از این رهبری چپ رو را تصحیح کند . همچنین یک برنامه آموزشی درون تشکیلاتی وسیع برای زدودن آثار ایدئولوژیک - تئوریک این گرایش چپ روانه در سطح تمام کارها شروع کرده و برای تصحیح و غنی ساختن ایدئولوژی سازمان و پاک سازی آن از نقاط فاسدی که به چنین گرایشهایی میدان میداد و تکامل متناسب آن برای حل و جویایی مشکلات فعلی جنبش ، تمام امکانات سازمان بسیج شده و از همه کارهای فعال و مستعد در این امر استفاده شود .

۲ - این رفقا اگر هنوز هم به نادرستی خط مشی خود پی نبرده اند و نمیتوانند انتقادات وارده بر خود را بپذیرند افلا این در حد اقل به خرج دهند که سازبانی را که بر اساس ایدئولوژی دیگری جز مارکسیسم بنا شده ترک بکنند و در هر شرایط دیگری که مناسب میدانند به فعالیت خود ادامه دهند . در این صورت این رفقا میتوانند پیوند انقلابی خود را با سازمان حفظ کرده و در صورت لزوم از امکانات سازمان نیز بهره ور شوند . بهر حال بدنیال چنین حیاتی ، سازمان با همه ادعائاتی را که در بنده فوق در باب تصحیح مواضع غلط سازمان گذشت همراه با کار آموزشی و سمی درون تشکیلاتی تعقیب کند .

۳ - چنانچه این رفقا به هیچ یک از بند های ۱ و ۲ عمل نکنند ما خود را موظف میدانیم که برای دفاع از مبارزیت سازمان و حفظ مصالح جنبش ، موضع این رفقا را در سطح توده افشا کنیم . در این صورت ما نه تنها اصرار و تلافی صبر صادقانه و فرصت طلبانه آنان را در استفاده از نام ، امکانات و قهریه ، حسن شهرت و توده های سازمان افشا کرد و مو آنرا در معرض هتک افکار عمومی خلق قرار میدهم . بلکه موضع این رفقا را بملوان یک خیانت پیشرفته جنبش انقلابی خلق محکوم می کنیم . علاوه بر این ، ما مسئولیت احتمالی تمام عواقب این جریان ، متعلقه درگیری نیروهای ما و رفقا را در یک تفاد قوی و انحراف آن از دشمن اصلی یعنی رژیم و امپریالیسم ، ضربه خوردن به وحدت انقلابی نیروهای یزنده خلق (مارکسیست و غیر مارکسیست) بدلیل سوء استفاده این رفقا از مارکسیسم و بالاخره سوء استفاده رژیم (و احیانا برخی از سازمانهای فرصت طلب) از این "اختلاف و انشعاب" برای ضربه زدن به جنبش را کلا و تماما متوجه این رفقا دانسته و پیشاپیش مسئولیت شدیدی آنانرا در برابر جنبش سازمان اعلام میکنیم .

گروهی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران
 شهریور ۱۳۵۴
 دهمین سالگرد تأسیس سازمان